

## رکورد مدال در پاریس

صفحه ۶



# وطن امروز

## فریاد «غزه» در «ونیز»

صفحه ۸

### تیتراهای امروز

آخرین نظرسنجی قبل از مناظره ۲ نامزد جمهوری خواه و دموکرات ریاست جمهوری آمریکا

## رقابت سایه به سایه



«وطن امروز» از ناکارآمدی در تنظیم بازار گوشت گزارش می دهد

## هست اما گران!

- با وجود افزایش واردات گوشت قیمت دست نخورده است

صفحه ۲

در آستانه سفر رئیس جمهور به عراق فرمانده نیروی زمینی سپاه از خلع سلاح گروهک های تروریست در اقلیم کردستان خبر داد

## کومله آواره

صفحه ۲

گفت و گوی «وطن امروز» با مرجان رشوند درباره وضعیت جمعیت در کشور

پرونده

## فرصت طلایی

## پنجره جمعیتی

- نظارت مناسبی بر طرح جوانی جمعیت صورت نمی گیرد
- طرح های جمعیتی از واقعیات جامعه عقب است

صفحه ۵

### نکته

### خبر بد برای وفاق!

**امیرعباس نوری:** از انتصابات اخیر در دولت چهاردهم، اخبار خوبی شنیده نمی شود. روزی که مسعود پزشکیان با یک نقل قول خلاف واقع توانست همه وزرای پیشنهادی خود را از بیخ بهارستان عبور دهد، دلسوزان تاکید کردند دولت باید در پاسخ به این حسن نیت مجلس، نسبت به انتصابات در زیرمجموعه وزارتخانه ها، نهایت دقت و مراعات را برای دوری از حواشی و تعهد به ادعای وفاق انجام دهد. حالا اما پس از آنکه همه وزرای پیشنهادی از بیخ بهارستان عبور کرده اند برخی خبرها از انتصاب افراد ضدانقلاب و مساله دار در وزارتخانه ها و زیرمجموعه ها حکایت دارد. این انتصابات هیچ نسبتی با شعار وفاق ملی که آقای پزشکیان آن را سر دست گرفته و تلاش می کند با این شعار از ظرفیت های انقلابی به سود دولت خود بهره ببرد، ندارد. وفاق ملی آدبی دارد اما اکنون پس از رای اعتماد کسابقه مجلس به وزرای پیشنهادی آقای پزشکیان، گویا برخی وزرا این ادب را فراموش کرده اند، بویزه وزرای که به خاطر سوابق تاسفبار در حوادث فتنه ۱۳۰۱ و دفاع شان از ابلاهی گری و اباحی گری در کشور، کاندیداهای نخست عدم رای اعتماد نمایندگان بودند اما به واسطه نظر مجلس به همراهی حداکثری با ادعای وفاق پزشکیان، رای اعتماد گرفتند. ظاهراً تصور کرده اند از مجلس ۲۰۰۷ سفید دریافت کرده اند و می توانند مواضع زشت خود در دفاع از سیاست های فرهنگی دوران طاغوت را از طریق گمراهان افراد مساله دار در وزارتخانه ادامه دهند. قطعاً رای به وزرای پیشنهادی مشروط بوده است و نمایندگان نسبت به نظارت بر وزرات پیشنهادی بویزه وزرای که سوابق سیاهی در حمایت از فتنه های ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی دارند، باید اهتمام لازم و به موقع را داشته باشند. استنطاق وزرای که برخلاف ماهیت وفاق پزشکیان، درصدد ادامه رویه های فتنه گون این بار در کابینه هستند، باید در اولویت مجلس قرار گیرد و برخورد به موقع با این وزرا باید در دستور کار باشد. البته اینکه پزشکیان و وزرای او اقدام به انتصاب افرادی با گرایشات سیاسی اصلاح طلبانه می کنند، یک موضوع بدیهی است و قاعدتاً نمی توان نقدی نسبت به آن داشت اما اینجا صحبت از انتصاب افراد وابسته به جریان اصلاح طلبی نیست، بلکه انتقاد درباره انتصاب افراد دارای گرایشات ساختارشکنانه است که بزرگانگانه تمایل خود را برای اثباتون شکنی و همراهی با ضدانقلاب نشان داده اند. نمایندگان مجلس حتماً باید انتصابات در دولت را زیر دربین نظارتی خود قرار دهند. قطعاً نظارت دقیق نمایندگان بر این موضوع، در وهله اول به سود شخص رئیس جمهور خواهد بود، چراکه جلوگیری از افراد قانون شکن و مساله دار می تواند گفتمان وفاق پزشکیان را از گزند حاشیه سازی های سیاسی در امان نگه دارد.

## شهید «ماهر الجازی» در مرز فلسطین اشغالی واردن

۳ صهیونیست را به هلاکت رساند



# حماسه ۳ گلونه

صفحه ۷



## سختی کار در کرانه باختری

امهدی بختیاری |

غزه در واقع اگرچه در محاصره کامل اسرائیل قرار دارد اما از سال ۲۰۰۵ در اشغال آن نیست. هرچند در جنگ فعلی، ارتش اسرائیل وارد غزه شده اما بعد است بتواند غزه را در اشغال خود نگه دارد.

گروه های مبارز فلسطینی مقر اصلی خود را در غزه قرار داده اند و در اینجاست که تونل های متعدد و تور در تور حفر شده و به اصطلاح دست مقاومت (به رغم همه سختی هایش) برای مبارزه در آن بازر تر است.

■ اوضاع کرانه باختری چطور است؟

کرانه باختری در حقوق بین الملل جزو حاکمیت دولت صهیونیستی محسوب نمی شود، هرچند خود آنها کرانه باختری را استان هفتمشان با نام «یهودا و شومرون» می دانند. کرانه باختری پس از پیمان اسلو، به ۳ بخش اصلی A، B و C تقسیم شد که مناطق A (شامل حدود ۱۸ درصد از این منطقه) در حاکمیت سیاسی و امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین، مناطق B (حدود ۲۲ درصد) تحت حاکمیت سیاسی تشکیلات خودگردان و حاکمیت امنیتی اسرائیل و مناطق C (حدود ۶۰ درصد) تحت حاکمیت سیاسی و امنیتی صهیونیست ها قرار دارد.

جالب این است که مناطق تحت حاکمیت فلسطینی ها مثل جزایری جدا از هم، در دل مناطق صهیونیست نشین قرار گرفته اند و برای رفتن از یک منطقه فلسطینی به منطقه دیگری باید از چند ایست بازرسی گذر کرد و همین موضوع، فلسطینی ها را در وضعیت سختی قرار داده که به شدت از سوی صهیونیست ها قابل کنترل است.

تفاوت دیگر نوار غزه با کرانه باختری این است که غزه را حماس - به عنوان اصلی ترین گروه مبارز که دارای قدرت سیاسی - اجتماعی نیز هست - اداره

می کند اما کرانه باختری توسط تشکیلات خودگردان فلسطین اداره می شود که در حقیقت همکار اسرائیل و پلیس آن محسوب می شود. همین تشکیلات بارها سران گروه های مقاومت و مبارزان فلسطینی را بازداشت کرده و در زندان های خود نگه داشته یا حتی تحویل اسرائیل داده است.

در واقع فلسطینی های مبارزی که در کرانه باختری حضور دارند، علاوه بر اسرائیل، باید با دشمنی متلا فلسطینی یعنی تشکیلات خودگردان هم مقابله کنند یا مواظب آن باشند و این، علاوه بر انبوه جاسوسانی است که هم در غزه و هم در کرانه باختری به وفور هستند. با این نمای کلی از ۲ منطقه غزه و کرانه باختری، شاید کمی تفاوت وضعیت مبارزه و فضای کار برای مبارزان فلسطینی در این ۲ منطقه قابل درک باشد. موشک های فلسطینی و پهپادهای آنها همیشه از غزه به سمت سرزمین های اشغالی پرتاب می شوند. گردان های اصلی مبارز و مقرهای فرماندهی آنها در فلسطین است و در اینجاست که مقاومت از امتیاز بزرگ تونل ها بهره می برد و در یک کلام، پایتخت مقاومت فلسطین غزه است اما در کرانه اوضاع برای مبارزان بسیار سخت تر است و آن اتحاد و انسجام وجود ندارد.

برای مثال، گروه های حاضر در «جنین» نه خیلی می توانند از همزمان شان در «نابلس» حمایت کنند و نه آنطور که باید، می توانند از حمایت آنها بهره بگیرند.

تعدد گروه های مقاومت که برخی از آنها در سال های اخیر به وجود آمده اند نیز در کرانه باختری بسیار بیشتر از غزه است.

موج عملیات های شهادت طلبانه در کرانه باختری که بعضاً متعلق به گروه های شناخته شده نظیر حماس و جهاد اسلامی هم نیستند، نشان می دهد فلسطینی ها از همین یک طرفه اند.

## اسرائیل باید به حماس امتیاز دهد

از طریق آنها، تسلیحات و تجهیزات مورد نیازش را وارد غزه می کند در این منطقه قرار دارد، در جنگ اخیر این محور را به اشغال خود در آورده و یگان های شان را در آنجا مستقر و اعلام کردند حاضر نیستند این منطقه را حتی بعد از جنگ ترک کنند چراکه معتقدند این تونل ها شاهرگ حیاتی حماس است و از این طریق حماس مجدداً می تواند توان خودش را احیا کند.

۲- هفته گذشته، پیدا شدن جنازه ۶ نفر از اسرای اسرائیلی - که در حملات صهیونیست ها به هلاکت رسیده اند - در یکی از همین تونل های رفح، ساکنان سرزمین های اشغالی را خشمگین کرد و همین باعث شد بزرگ ترین تظاهرات اعتراضی در اسرائیل شکل بگیرد که تعداد شرکت کنندگان در آن را تا ۵۰۰ هزار نفر و حتی بیشتر هم ذکر می کنند. کشف

در مواقع بسیاری مجبورند بدون حمایت و پشتیبانی و تقریباً با دست خالی با یک سلاح کمری و یا حتی یک چاقو به اشغالگران حمله کنند. در این سختی ها و تنگناهاست که اهمیت کار مبارزان کرانه خود را نشان می دهد. یک فلسطینی در گردان های قسام یا سراپا القدس یا عربین الاسود و دیگر گروه ها وقتی در کرانه باختری کار می کند، محدوده عملش بسیار کم و شدیداً تحت کنترل است و وقتی عملیات را انجام می دهد یعنی کاری کارستان کرده است.

البته در همین کرانه هم مناطقی نظیر جنین، نابلس و طولكرم وجود دارند که قدرت مبارزاتی بیشتری دارند و مثلاً اردوگاه جنین را باید پایتخت مقاومت در کرانه باختری دانست. شهادی روزهای اخیر در کرانه باختری هم ستاره های این نبردها بودند. برای مثال «محمد جابر» (پوشجاع) فرمانده گردان های سراپا القدس (شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی) در طولكرم، ۲ سال (از وقتی این مسؤولیت را بر عهده گرفت) تحت تعقیب بود. شهید پوشجاع در راههای تورو جان سالم به در برد، بارها خانه اش را ویران کردند و نزدیکانش را برای پیدا کردن او اسیر کردند اما ۲ سال طول کشید تا دستگاه عریض و طویل امنیتی اسرائیل با کمک همکاران خائن شان در تشکیلات خودگردان توانستند این جوان ۲۶ ساله را شکار کنند.

«پوشجاع» نخستین نفر از سلسله مبارزان کرانه نیست و آخرین آنها هم نخواهد بود، کرانه باختری روز به روز ملتهب تر شده و به سمت مسلح شدن بیشتر پیش رفته و به انبار باروتی در دل سرزمین های اشغالی تبدیل شده است و صهیونیست ها هم درست از همین یک طرفه اند.

این جنازه ها که نتیجه عملیات ارتش اسرائیل برای آزادی اسرا بوده، وقتی پیدا شدند که نتایج و گفته بود به هیچ وجه حاضر نیست محور فیلادلفی را ترک کند، حتی اگر مجبور باشد چشمش را روی سرنوشت اسرا ببندد.

برخی خانواده های اسرا حاضر به دیدار با نتانیاهو نشدند و در پلاکاردهایی که در اعتراضات حمل می کنند گفته اند دست نتانیاهو به خون فرزندان شان آلوده است.

ادامه در صفحه ۶

### یادداشت روز

## توفان الاقصی و جنگ وجودی در منطقه

امسیرا کریمشاهی |

آنچه تقابل ایران و رژیم صهیونیستی را در دهه های اخیر مدیریت کرده و در میانه ۲ سر طیف جنگ تمام عیار و نیابتی حفظ می کند، اصطلاحاً نبرد در منطقه خاکستری (The Gray Zone) بوده و همچنان هست. دنبال کردن تخاصم در منطقه خاکستری اغلب غیر آشکار، با ابزار های نسبتاً غیر متعارف و غلبه قلمرو سازی ژئوپلیتیک بر جغرافیا دنبال می شود. معمولاً طرف ها خطوط قرمز نانوشتن های میان خود دارند که آنها را از نزدیک شدن به جنگ آخر بر حذر می دارد. در واقع برای دور ماندن از منتهای طیف و تهاجم (Aggressive) تا جایی که امکان دارد گستره جابه جایی خود و خطوط قرمز را در منطقه خاکستری انعطاف می بخشند، چرا که خارج شدن وضعیت از کنترل و خروج به سمت جنگ، مستقیماً ماهیت طرفین را هدف قرار می دهد؛ چیزی که در مصداق مورد نظر ضربه کاری به موجودیت رژیم صهیونیستی یا فروپاشی شبکه مقاومت در نظر گرفته می شود، لذا طرف های درگیر تلاش داشته اند تا در نظر گرفتن چنین ریسک نهایی ای، بتوانند طبق راهبرد تدریجی با هزینه کمتر از درگیری نهایی و مستقیم و طی نبرد طولانی در همان منطقه خاکستری بقای یکدیگر را به چالش بکشند.

راهبرد اعمالی تدریجی ای که رژیم صهیونیستی با توجه به دوران گذار منطقه ای و تضعیف همون آمریکایی در نظر گرفته، ائتلاف علیه ایران و به انزوا کشاندن شبکه مقاومت است. این رژیم که اواخر دهه ۵۰ میلادی برای خروج از انزوا دکترین «اتحاد پیرامونی» را در پیش گرفت و در دهه اخیر برای کشاندن ایران به انزوا به دنبال عملی سازی راهبرد «اتحاد با پیرامون ایران» است. فاز ابتدایی این طرح به منظور خروج رژیم صهیونیستی از «عنصر غیر عادی» به عادی سازی روابط با دولت های منطقه تقریباً به طور مطلوب برای رژیم پیش رفت. گام بعدی در ائتلاف سازی منهای ایران هم دنبال شد اما آمریکا و اسرائیل بخوبی آنگاه تا «توافق بزرگ» رقم نخورد، ادامه پیشبرد نقشه کدایی برای خاورمیانه غیر ممکن است. پیوستن عربستان سعودی به قطار روابط آشکار و عادی شده با اسرائیل، قطعه ای بزرگ از پازل «پیرامونی ایران» است که از شمال تا جنوب از طریق خاک جمهوری باکو، اقلیم کردستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس در دسترس رژیم صهیونیستی باشد و به اهرم موازنه در برابر دسترسی ایران به سرزمین های اشغالی از طریق لبنان، سوریه و مقاومت فلسطین برسد.

توطئه جدید امنیتی آمریکا و اسرائیل نه فقط ایران را بلکه امنیت جمعی در سراسر منطقه را با اتکا و گره زدن آن به امنیت سرزمین های اشغالی درگیر می کند. به بیان بهتر امنیت و هم گرایسی منطقه که با حذف ایران ناشدنی است، در گرو تامین امنیت رژیم صهیونیستی قرار می گیرد. این روند نقشه نقاشی شده مسیر خود را طی می کرد که جهان شاهد ۷ اکتبر و توفان الاقصی شد. عملیات مقاومت فلسطین اگر نتوانیم نابودکننده، در حداقل نقشه اثر گذاری خود مختل کننده نقشه های آینده موازی با گذار منطقه ای طراحی و دنبال می شد. یعنی با توفان الاقصی در کنار اینکه بار دیگر فلسطین به مثابه «مساله» ظهور و بروز دارد، مقاومت فلسطین توانست فراتر از بیاضت خود در سطح مخدوش سازی طرح خاورمیانه ای جبهه غربی - عبری - عربی اثر گذار باشد. لذا در همین راستا رهبر انقلاب اسلامی در سخنرانی شان به مناسبت سالگرد رحلت امام (ره) با تبیین نقش منطقه ای توفان الاقصی، یکی از نقاط نقاشی این رخداد را اهمیت عنصر زمان اعلام کردند که عملیات مقاومت «دقیقاً در لحظه نیاز منطقه» رخ داد. ایشان با اشاره به یک نقشه وسیع آمریکایی - صهیونیستی که با همکاری بعضی دولت های منطقه دنبال می شد هدف آن را «تسلط رژیم صهیونیستی بر سیاست و اقتصاد کل منطقه غرب آسیا بلکه کل دنیای اسلام» عنوان کردند. توفان الاقصی باطل کننده چنین طرحی برای تسلط جبهه دشمن بر نظم پسا آمریکایی شد تا برخلاف روند در جریان، اکنون طرف ها نقطه زمانی منطقه را به بعد و قبل توفان الاقصی تقسیم کنند و معادله نظم غرب آسیا طبق وضعیت توفان الاقصی باشد.

در این نقطه کانونی منطقه، اسرائیل نه تنها نتوانست با ابزار های تقابل غیر مستقیم موجود در منطقه خاکستری از جمله ائتلاف سازی، تحریم، ترور، جنگ روانی، حمله سایبری، تروریسم رسانه ای، خرابکاری و... به نتایج جنگ مستقیم (تهدید بقای شبکه مقاومت) برسد، بلکه اکنون خود به مرز نبرد موجودیت رسیده است. هرچند این وضعیت ۲ طرف را در بر می گیرد اما مخاطره پذیردی رژیم صهیونیستی در برابر شبکه ای که با دارایی پایگاه اندیشه ای (گفتمان مقاومت) ظرفیت بازپروری خود را دارد بسیار بالاتر است.

ادامه در صفحه ۶